



کارگران در برابر حذف قوانین حمایتی آرام نخواهند نشست!



صادق کار:

عالی کار، گزارش داده است، نماینده‌ی دولت به دلیل نگرانی از واکنش کارگران در اوضاع نامساعد کنونی، با تغییر مواد حمایتی مخالفت نموده و آن را در حال حاضر به صلاح ندانسته است و نمایندگان کارفرمایان نیز به رغم موافقت با تغییرات این‌چنینی، ظاهراً به دلایلی مشابه نماینده‌ی دولت، در جلسه‌ی مذکور حاضر به تایید آن‌ها نشده‌اند.

فعالان کارگری و کارگران نیز به علت مخالفت اساسی با حذف مواد حمایتی که در لایحه‌ی پیش‌بینی شده، با آن مخالفت کرده‌اند. به همین دلیل شورای عالی کار با نوشتن نامه‌ای که به تصویب همه‌ی اعضای آن رسیده، با پیشنهاد انضمامی عده‌ای از نمایندگان مجلس به لایحه‌ی دولت مخالفت کرده است.

وجود این مخالفت‌ها و اختلافات با این‌که موجب از دستور خارج شدن موقت مواد ۱۶ و ۱۷ و فرستادن این مواد به کمیسیون مشترک بررسی لایحه برای بررسی بیشتر و ایجاد وقفه در تصویب آن شد، اما گزارشات منتشر شده و کنش و واکنش‌هایی که در این ارتباط صورت می‌گیرند، حکایت از پشتیبانی اکثریت نمایندگان مجلس از مواد افزوده‌ی ۱۶ و ۱۷ مجلس و تصویب محتمل آن دارند.

طبق اخبار منتشر شده، مجلس با افزودن موادی به «لایحه‌ی رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» که از طرف دولت تهیه و جهت بررسی و تصویب برای مجلس فرستاده شده، حذف مواد حمایتی باقی مانده در قانون کار را در دستور کار خود قرار داده است و قصد دارد به زعم خویش کاری را که به دلیل مخالفت و اعتراضات شدید کارگران تا کنون بی‌سرانجام مانده، به سرانجام برساند.

بنا به گزارش «ایلنا» عده‌ای از نمایندگان مجلس با وارد کردن پیشنهاد تغییر مواد حمایتی، ۷، ۱۰، ۲۱ و ۲۷ قانون کار در ماده‌ی ۱۶ «لایحه‌ی رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» قصد حذف مواد مذکور را دارند. در پی انتشار خبر قرار گرفتن تغییر مواد حمایتی قانون کار در دستور کار مجلس، اعتراضات متعددی به اشکال مختلف از طرف عده‌ی زیادی از کارگران در یکی دو هفته‌ی اخیر صورت گرفت.

بر اساس گزارش «ایلنا» در پی این اعتراضات، همه‌ی اعضای شورای عالی کار نیز هر کدام به دلایل مختلف با این تصمیم مجلس مخالفت کرده‌اند. آن‌طور که «ایلنا» به نقل از یکی از «نمایندگان کارگری» حاضر در جلسه‌ی شورای



از تجربه دیگران

الزام رفرم در اتحادیه‌های کارگر- تغییر یگانه امر «ثابت» است (۱)

کورنر کرادن و پیتتر هال-جونز، ۲۰۰۵



از طلیعه‌های اتحادیه‌های جدید: تظاهرات کارگران بخش دولتی
بریتانیا در ماه مارس ۲۰۱۱

سی سال گذشته مشابهی در تاریخ ندارد. پیش از آن هرگز چنین تغییرات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و تکنولوژیکی بیرحمی وجود نداشته‌اند. اتحادیه‌های کارگری در سراسر دنیا در تقلای فهم این تغییراتند؛ تغییراتی که بیشترشان بازاندیشی در نقش و عمل اتحادیه‌ها را ایجاب می‌کنند.

کورنر کرادن و پیتتر هال-جونز در این نوشته نگاهی اجمالی می‌اندازند به کوشش‌های اتحادیه‌ها برای ایجاد رفرم‌های درونی و برای تطبیق خودشان با محیطی که در آن تغییر یگانه امر ثابت است.

رفرم در اتحادیه‌های کارگری در گذشته

در تغییرات گفته شده دو روند نقش مرکزی را داشته‌اند. روند نخست، ظهور و سلطه‌ی نئولیبرالیسم است، که هم‌چنین به افزایش تأثیر سازمان‌های مقررات‌گذار بین‌المللی مثل سازمان تجارت بین‌المللی، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول انجامیده است.

دومین روند، موجی از دمکراتیزاسیون است که در سال‌های دهه‌ی ۱۹۷۰ در اروپا (اسپانیا، پرتغال و یونان) آغاز شد، سپس بیشتر به امریکای لاتین و کشورهای جنوب شرقی آسیا کشیده شد و در آخر در اتحاد شوروی سابق و کشورهای اروپای مرکزی و شرقی وقوع یافت. اکنون دیگر تردید کمی می‌توان داشت که دوران رژیم‌های تمامیت‌خواه و نظامی‌به‌پایان رسیده است.

در صورت تصویب مواد فوق‌الذکر به رغم مخالفت مصلحتی نمایندگان دولت و کارفرمایان در شورای عالی کار، با در نظر داشت تلاش‌های پیشین هردوی آنان برای انجام تغییرات مشابه، تغییرات مذکور نمی‌تواند موجب خشنودی آنان نشود زیرا کاری را که آنها می‌خواستند با دشواری و هزینه‌های غیر قابل پیش‌بینی انجام دهند به انضمام مسئولیت و هزینه‌هایش با یک عقب‌نشینی تاکتیکی ماهرانه به گردن مجلس می‌اندازند و مجلس را با کارگران معترض رودرو قرار می‌دهند.

به هر صورت کارگران به هیچ‌وجه زیر بار تغییر قانون کار مورد نظر مجلس نخواهند رفت و به هیچ قیمتی از مبارزه برای احیاء و ارتقاء حق و حقوق‌شان دست برندارند. خواست کارگران در واقع همواره رفع مواد ناقص حقوق کارگر در قانون کار و تقویت و تطبیق مواد حمایتی قانون کار با مقاله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار و منشور جهانی حقوق سندیکایی بوده و هست.

گسترش فزاینده‌ی اعتراضات و اعتصابات کارگری موجود که می‌روند تا با تداومشان جنبش کارگری را به فاکتوری مهم در تحولات آتی تبدیل و تمام مناسبات و معادلات ظالمانه‌ی کنونی را که همگی علیه منافع و حقوق طبقه‌ی کارگر و در جهت منافع سرمایه‌داران و کارفرمایان است دگرگون کنند، خود بهترین دلیل این ادعاست.

آن‌هایی که امروز از شهرهای دور و نزدیک برای اعتراض به حق‌کشی‌های مجلس و حکومت در پشت دیوار مجلس تجمع و خواهان رسیدگی به مطالبات‌شان می‌شوند، فردا روزی نه دیگر برای شعار دادن و تظلم‌خواهی بلکه برای تعرض به مجلس خواهند آمد.

مجلس‌نشینان ظالم و فاسد اگر فکر می‌کنند با از بین بردن حق و حقوق کارگر برای خودشان و دوستان ثروتمندشان امنیت درست می‌کنند سخت در اشتباهند. در کشوری که کارگر امنیت نداشته باشد، هیچ‌کس دیگر امنیت نخواهد داشت!



صلح یا رقابت؟

این تحولات دوجانبه، تأثیر عظیمی بر رویکرد دولت‌ها و کارفرمایان نسبت به مناسبات کار برجا گذاشته‌اند. با رنگ باختن «خطر» کمونیسم و عطف توجه بیشتر دولت‌ها به عرصه بین‌المللی برای ایجاد فضا برای اقتصادهای ملی، حل و فصل مناقشات کارگری به خودی خود، دیگر به عنوان امر مقدم سیاسی مطرح نیست.

در عین حال، رقابت بین‌المللی کاهش هزینه‌ها را به هدف مهم مدیریت تولید تبدیل کرده است. این تغییرات به نوبه‌ی خود منجر به جابه‌جایی امور مقدم در سیاست‌های ناظر بر مناسبات کار شده‌اند. هدف سیاست خارجی کشورها امروزه دیگر غلبه بر مناقشات در مناسبات کار نیست، بلکه ارتقاء توان رقابتی کشورهاست.

با توجه به حمایت وسیع دولت‌ها و سازمان‌های مقررات‌گذار از این هدف، اولویت مدیران نیز تغییر یافته است. کنترل سفت و سخت دستمزدها و بهبود مدام کارآئی به اهداف غیر قابل بحث آنان تبدیل شده‌اند.

در نتیجه‌ی این تغییرات، از اتحادیه‌ها انتظار می‌رود که «ارزش افزوده‌ی» خود را در مناسبات کار محرز کنند. از این «ارزش افزوده» هم صرفاً یک درک تجاری ارائه می‌شود.

این ترکیب عوامل، فعالیت اتحادیه‌ها را با دشواری‌های بیشتری همراه کرده است. اتحادیه‌ها هم پاسخ‌های مختلفی به این شرایط داده‌اند، اما هنوز هیچ مدل ساده‌ای برای اتحادیه‌گرایی نوین، به عنوان مدل پیروزمند پا به عرصه نگذاشته است.

رفرم‌های اتحادیه‌ای می‌توانند به چهار مدل اصلی زیر تقسیم شوند:

۱. ساختار جدید،
۲. استراتژی جدید،
۳. انترناسیونالیسم جدید
۴. مناسبات جدید اتحادیه-کارفرما.

به اجمال نگاهی می‌اندازیم به هر یک از این مدل‌ها:

۱. ساختار جدید

این مدل شاید مرسوم‌ترین مدل رفرم باشد. برای بسیاری از اتحادیه‌ها، خاصه در کشورهای پیشرفته‌ی صنعتی، تغییرات ساختاری به سلاح پراهمیتی در مبارزه برای حفظ وضع تبدیل شده است.

نمونه‌های این رویکرد عبارت‌اند از ادغام اتحادیه‌ها به هدف بهره‌جویی از مزایای اقتصادی [سازمان‌های] بزرگ‌ابعاد، برای افزایش تأثیر آن نسبت به اتحادیه‌های جداگانه، یا پاسخ‌گویی به تغییرات رخ داده در ساختارهای صنعتی و ترکیب اعضای اتحادیه‌ها. در برخی از موارد ممکن است تعقیب همان اهداف

رفرم‌های رادیکال‌تری را، که کل ساختار جنبش اتحادیه‌ای را دست‌خوش تغییر می‌سازند، برانگیزد. مثلاً، در حالی که جنبش کارگری امریکا مشغول بررسی پیشنهادهایی برای تجدید سازماندهی در این سطوح است، جنبش اتحادیه‌ای ژاپن برای ایجاد فدراسیون‌هایی در سطح این یا آن صنعت تلاش می‌کند.

در کشورهایی که در یکی-دو دهه‌ی اخیر اقتصاد برنامه‌ریزی شده را ترک گفته‌اند، اتحادیه‌های مستقل و «غیرقانونی» پیشین و اتحادیه‌های شکل گرفته‌ی بعدی، در تلاش برای استقرار یک جنبش اتحادیه‌ای مستقل و دموکراتیک، مکلف به همکاری با هم شده‌اند. اما متأسفانه معلوم شده که استقرار یک جنبش اتحادیه‌ای مستقل و دموکراتیک کار آسانی نیست و جنبش کارگری در بسیاری از کشورهای مذکور هنوز گرفتار پراکندگی است.

📖 اخبار خارجی:

فرانسه:

اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران جهان در همدردی با «شارلی ابدو»

سایت فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۵



پاریس: در اعتراض به ترور، در دفاع از آزادی بیان

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران و گروه‌های منطقه‌ای آن، فدراسیون اروپایی روزنامه‌نگاران، روز یکشنبه ۱۱ ژانویه در راهپیمایی میلیونی مردم فرانسه در پاریس حضور یافتند. این راهپیمایی در اعتراض به حمله‌ی تروریستی به مجله‌ی طنز «شارلی ابدو» برپا شد.

حمله به مجله‌ی شارلی ابدو بزرگ‌ترین تعرضی است که تاکنون علیه رسانه‌ها در فرانسه صورت گرفته است. در این حمله ۱۲ نفر از مردم، شامل شش روزنامه‌نگار، کشته شدند.



لهستان:

دیدار نخست وزیر با معدنچیان اعتصابی

رادیو لهستان، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۵



رییس دولت هدایت مذاکرات با اتحادیه‌های معدنچیان نازاری را در مورد اخراج‌های مورد نظر دولت به عهده دارد.

کارگران چهار معدن دیگر در لهستان اعلام اعتصاب کردند و شمار معادن در اعتصاب را به هشت رساندند.

دومینیک کولورتس، رییس اتحادیه‌ی همبستگی در سیلسیا، می‌گوید: "کسانی که از ما انتظار دارند دست به اعتراض نزنیم، در رؤیا به سر می‌برند. آشکار بود که به دنبال «چانه‌زنی مفت» آخر هفته‌ی گذشته، تعداد بیشتری از معادن به اعتصاب بپیوندند."

در این فاصله اوا کوپاچ، نخست‌وزیر لهستان، به مذاکره با نمایندگان صنایع پرداخته است تا طرح خود را برای بازسازی صنایع معدنی لهستان نهایی و عرضه کند.

طرح اولیه‌ی دولت لهستان این بود که با دادن «مزایای پایان خدمتی» معادل چهار ماه حقوق هر کارگر، به استخدام هزاران کارگر شرکت دولتی لگلووا کمپانیا پایان دهد. بهره‌برداری از چندین معدن زغال سنگ و لیگنیت در جنوب لهستان به عهده‌ی این شرکت است.

بنا به گزارش برخی منابع غیررسمی، رییس دولت لهستان، خانم اوا کوپاچ، مجموعه‌ی مناسب‌تری را به رهبران اتحادیه‌ها پیشنهاد کرده است.

این گزارش‌ها هم‌چنین حاکی از آن‌اند که ممکن است نخست‌وزیر پیشنهاد فروش معدنی را که در آستانه‌ی بسته شدن‌اند، به ازای یک میلیون اسمبولیک به اتحادیه‌ها یا حتی به خود کارگران بدهد.

یاروسلاو گرزسیک، رهبر بخش معادن در اتحادیه‌ی همبستگی، می‌گوید: "این پیشنهادها پذیرفتنی نیستند. اگر نخست‌وزیر مصمم است که این معادن را ببندد، بهتر است استعفايش را تقدیم کند. فروش معادن بی معناست."

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران و فدراسیون اروپایی روزنامه‌نگاران همراه سه اتحادیه‌ی عضو آن‌ها در فرانسه - سندیکای ملی روزنامه‌نگاران، سندیکای روزنامه‌نگاران وابسته به کنفدراسیون سراسری کار و کنفدراسیون دمکراتیک کار فرانسه - در صفوف مقدم راهپیمایی روز یکشنبه و در کنار خانواده‌های روزنامه‌نگاران کشته شده حضور داشتند.

رهبران و هیأت‌های نمایندگی از جانب اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران بریتانیا، ایرلند، ایتالیا، اسپانیا (از هر دو اتحادیه‌ی روزنامه‌نگاران این کشور)، رومانی و بلژیک نیز در راهپیمایی اعتراضی حضور داشتند و همبستگی خود را با «شارلی ابدو» و روزنامه‌نگاران فرانسه ابراز داشتند.

جیم بوملا، پریزیدنت فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، در سخنانی در همبستگی با نشریه‌ی شارلی ابدو گفت: "حمله به شارلی ابدو، تنها تجاوری به جان روزنامه‌نگاران کشته شده نبود. گلوله‌های قاتلان یکی از ارکان دمکراسی، یعنی آزادی بیان را نشانه گرفته بودند و بنابراین این حمله متوجه خود دمکراسی بود. به علاوه، این امری مربوط به فرانسه به تنهایی نیست؛ این امر تمام روزنامه‌نگاران در سراسر دنیاست."

وی افزود: "این تعرض یک بار دیگر توجه ما را به لزوم صیانت جان روزنامه‌نگاران جلب کرده است. من در این جا بار دیگر از رهبران و رؤسای دول، که امروز در این تظاهرات حضور دارند، می‌خواهم که تلاش مجدانه‌تری برای جلوگیری از معافیت از مجازات داشته باشند و قاتلان روزنامه‌نگاران را، در هر مورد که باشد، به دست عدالت بسپارند. فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران به مبارزه‌ی خود علیه معافیت از مجازات تا پایان دادن به آن و کسب اطمینان در این باره که چنین جنایاتی بی‌کیفر نخواهند ماند، ادامه خواهد داد."

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران قتل ۱۱۸ روزنامه‌نگار را، که در سال ۲۰۱۴ در سراسر دنیا وقوع یافته، مستند کرده است.

آنتونی بلانگر، معاون دبیرکل فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران هم در سخنان خود گفت: "از دست دادن این همه از همکاران، که برخی‌شان را من از نزدیک می‌شناختم، به دشواری قابل تحمل است. اما حضور هیأت‌های نمایندگی اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران، که در همبستگی با همکاران فرانسوی‌شان دست به تظاهرات زدند، تجربه‌ی شگرفی است. این اقدام متحدانه تنها می‌تواند ما را در دفاع از آزادی بیان و مطبوعات، و در دفاع از حقوق روزنامه‌نگاران به هم نزدیک‌تر کند. با فرونشستن غلیان عواطف، ما خودمان را با وظیفه‌ی سختی روبرو خواهیم دید: اعتلای آزادی بیان، مطبوعات و رسانه‌ها. ما تمام شهروندان را در سراسر دنیا فرا می‌خوانیم در این نبرد به ما بپیوندند."



تانزانیای-زامبیا:

کارگران، خواه حقوق معوقه، خواه حقوق جاری، به دنبال صندوق‌های اضطراری باشند.

او می‌افزاید: "بسیاری از کارگران از پرداخت اجاره و شهریه‌ی مدرسه‌ی فرزندان‌شان عاجزاند. پنج ماه است که کارگران پیشیزی دریافت نکرده‌اند.

کیه‌وله چنین خاتمه می‌دهد: "اعتصاب یک هفته خواهد بود، اما اگر خواسته‌های کارگران برآورده نشوند، ادامه خواهد یافت.

خط آهن میان دو کشور در اثر اعتصاب بسته شد

بی.بی.سی، ۱۲ ژانویه ۲۰۱۵



راه آهن مشترک تانزانیای - زامبیا: در خطر فروپاشی

کارگران ایران:

مقاومت کارگران، مدیریت ایران خودرو را به تسلیم واداشت



اتحادیه آزاد کارگران ایران:

کارگران ایرانخودرو پس از هشت روز اعتراض متحدانه از صبح روز چهارشنبه ۲۴ دی ماه بتدریج در قسمت‌های مختلف کارخانه اعتراض خود را تمام کردند و نهایتاً این اعتراض دیشب بطور کامل پایان گرفت. چرخه پایان این اعتراض متحدانه همان گونه که آغاز آن به شکل زنجیرواری همه قسمت‌های کارخانه را در بر گرفته بود پایان آن نیز به همین شکل از شام روز ۲۳ دی از برخی قسمت‌ها آغاز و در شام روز ۲۴ دی در همه بخش‌های کارخانه تکمیل شد.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران پایان این اعتراض متحدانه بدنیاال مذاکرات متعدد کارگران ایرانخودرو با مسئولین و مدیریت کارخانه و وعده‌های آنها

«سازمان مشترک راه آهن»، که توسط هر دو کشور اداره می‌شود، گرفتار کمبود بودجه است.

خدمات راه‌آهن بین تانزانیای و زامبیا در اثر اعتصاب بیش از ۱۵۰۰ کارگر تانزانیایی به شدت مختل شده‌اند.

یکی از رهبران اتحادیه‌ی کارگران راه‌آهن تانزانیای می‌گوید: "پنج ماه است که دولت، به علت بحران مالی سازمان مشترک، حقوق کارگران را پرداخت نکرده است."

دولت تانزانیای هنوز واکنشی به اعتصاب نشان نداده است.

خط آهن مشترک بین تانزانیای و زامبیا، به طول ۱۸۶۰ کیلومتر، در سال‌های ۱۹۷۰ برای گسترش ارتباطات میان دو کشور، توسط چین ساخته شده است.

چین برای ایجاد این خط مشترک، وام بدون بهره‌ای معادل ۵۰۰ میلیون دلار در اختیار پروژه گذاشت.

گفتنی است که بهره‌برداری از این خط که توسط سازمان مشترک راه‌آهن تانزانیای- زامبیا صورت می‌گیرد، همیشه با ضرر همراه بوده است.

سازمان نامبرده به شدت در جست‌وجوی سرمایه‌گذاران خصوصی برای پیش‌گیری از فروپاشی این خط است. این سرنوشت، در صورتی که مقامات تانزانیای و زامبیا همچنان به کمک مالی به سازمان مذکور بی‌رغبت باشند، دور نیست.

مردم مناطق روستایی به طور معمول از خدمات این خط استفاده می‌کنند. این خط همچنین برای انتقال بار، به خصوص حمل مس و چوب از زامبیا به تانزانیای، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اراستوس کیه‌وله، از رهبران اتحادیه‌ی کارگران راه‌آهن تانزانیای، می‌گوید که "هر دو دولت باید برای پرداخت حقوق



۷- برقراری مجدد پاداش اضافه کاری. این پاداش از حدود دو سه سال پیش قطع شده است.

بنا بر آخرین گزارش های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، علی رغم پایان اعتصاب غذای کارگران ایرانخودرو، فضای اعتراضی در میان این کارگران همچنان بالاست و آنان اعلام کرده اند چنانچه مدیریت شرکت تا ۱۵ بهمن ماه به وعده های خود عمل نکند بار دیگر اعتراض خود را از سر خواهند گرفت.

* * * * *

اعتصاب کارگران در نورد لوله صفا



اتحادیه آزاد کارگران ایران:

کارگران نورد لوله صفا امروز نیز علی رغم حضور در کارخانه حاضر به شروع کار نشدند و اعلام کردند تا زمانی که کارفرما بیمه های ما را تسویه نکند کار نخواهیم کرد.

بنا بر گزارش های رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارفرمای نورد لوله صفا پس از واریز یک ماه از چهار ماه دستمزد معوقه کارگران متعهد شده بود بدهی های مربوط به بیمه کارگران را به حساب سازمان تامین اجتماعی واریز کند اما از آنجا که امروز نیز اینکار را نکرد کارگران حاضر به شروع کار نشدند. بنا بر اظهار کارگران نورد لوله صفا در نتیجه همدستی سازمان تامین اجتماعی با کارفرما معلوم نیست که تاکنون چه میزان از بیمه آنان واریز شده است. قبلا در شعبه سازمان تامین اجتماعی شهرستان ساوه به این کارگران گفته بودند ۱۵ ماه از بیمه هایشان واریز نشده و پس از واریز یک ماه از آن در هفته های گذشته هم اینک می باید ۱۴ ماه معوقه بیمه وجود می داشت اما امروز مسئولین تامین اجتماعی ساوه اعلام کرده اند که ۱۱ ماه از بیمه سال ۱۳۹۲ و با احتساب دی ماه جاری ۹ ماه از

برای تحقق خواسته هایشان تا ۱۵ بهمن ماه صورت گرفت.

بنا بر این گزارش در طول هشت روز اعتراض کارگران ایران خودرو که با محوریت خواست افزایش مزد آغاز شد مسئولین و مدیریت این کارخانه در همان روزهای اول تلاش کردند با توسل به تهدید و دادن وعده و وعید به کارگران، این اعتراض را مهار کنند، اما کارگران ایرانخودرو بر سر تحقق خواسته های خود یوزه خواست افزایش مزد از طریق افزایش مزد پایه استنادگی کردند تا اینکه با مذاکرت متعددی که ما بین کارگران و مسئولین و مدیریت این شرکت بویژه در روزهای هفتم و هشتم این اعتراض صورت گرفت، مدیریت شرکت ضمن دادن وعده تحقق خواسته های کارگران اعلام کرد تا روز ۱۵ بهمن ماه همه خواسته های آنان و وعده هایی که داده شده است مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و نتیجه نهایی آن در این روز اعلام خواهد شد.

اهم وعده هایی که مدیریت شرکت ایرانخودرو طی مذاکرات و توافقات صورت گرفته ما بین خود و کارگران داده است بشرح زیر می باشد:

۱- اجرا و بازنگری فوری طرح طبقه بندی مشاغل و اصلاح جدول مزدی کارگران

۲- پرداخت پاداش تولید قبل از اینکه سقف مورد نظر تولید برای پرداخت این پاداش محقق شده باشد. مبلغ ۷۰۰ هزار تومان برای کارگران تولید - ۶۰۰ هزار تومان برای کارگران پشتیبانی - ۵۰۰ هزار تومان برای کارگران ستادی و ۴۰۰ هزار تومان برای کارگران خدمات

علاوه بر دو وعده فوق که به صورت ابلاغیه بر روی بسیاری از قسمتهای کارخانه نصب شده است دیگر خواسته های کارگران و وعده های مدیریت به شرح زیر بطور شفاهی مورد مذاکره و توافق ضمنی قرار گرفته و مقرر شده است نتیجه نهایی آن تا ۱۵ بهمن ماه به کارگران اعلام بشود.

۱- افزایش مزد پایه به میزان ۷-۸ درصد. تاریخ اعمال این افزایش از بهمن ماه سالجاری و حداکثر از اردیبهشت ماه سال آینده خواهد بود. این افزایش علاوه بر افزایش حداقل مزدی است که هر ساله در شورایعالی کار صورت میگیرد. توافق نهایی در مورد تاریخ اعمال این افزایش صورت نگرفته و قرار است اعلام شود

۲- افزایش آکورد به میزان ۳۰ درصد

۳- پرداخت بن نقدی هر سه ماه یکبار ۵۰۰ هزار تومان

۴- تعطیلی شیفت شب پنج شنبه

۵- دادن استراحت یک ساعته در وسط ساعات شیفت شب.

۶- افزایش هدیه های مربوط به ایام خاص



📖 اخبار کوتاه

بیمه امسال شان (جمعا ۲۰ ماه) به حساب سازمان تامین اجتماعی واریز نشده است.

جمعی از تشکلهای کارگری استان قزوین با صدور نامه‌ای سرگشاده خطاب به نمایندگان استان قزوین در مجلس، خواستار دفاع نمایندگان استان‌شان از قانون کار شدند. این نامه در شرایطی نوشته شده است که مجلس در حال بررسی الحاقیه ماده ۱۶ لایحه «رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» است که به موجب آن بخش عمده‌ای از مواد حمایتی قانون کار در جهت منافع کارفرمایان تغییر خواهد یافت

ماموران واحد انتظامات کارخانه سیمان سپاهان اصفهان (سه شنبه ۲۳ دی) از ورود «عباس زمانی»، یکی از کارگران حاضر در تجمع اعتراضی، به کارخانه جلوگیری کردند.

منابع کارگری ایلنا گزارش داده‌اند که ماموران واحد انتظامات به آقای زمانی گفته‌اند با دستور مستقیم رئیس خود از ورود او به کارخانه جلوگیری می‌کنند

پس از اعتراض صنفی ۲۹۰ کارگر معدن چشمه پودنه در واکنش به تعویق ۴ ماه حقوق در هفته گذشته، در جریان این اعتصاب کارگری دو تن از کارگران به نام‌های علی علیزاده و مهدی محمدی با شکایت کارفرما اخراج شدند.

نماینده کارگران شرکت سیمان دورود افت شدید فروش سیمان را تهدیدی برای امنیت شغلی بیش از ۸۲۰ کارگر این شرکت دانست.

بیش از ۵۰ کارگر پروفیل و نورد ساوه در چهار ماه گذشته اخراج شدند. منابع کارگری می‌گویند کارفرما در پی اعتراضات صنفی کارگران این کارخانه لوله سازی در واکنش به تعویق حداقل چهار ماه حقوق در نیمه اول امسال، دست به این اخراج‌های گسترده زده است.

فعالیت واحد تولیدی و صنعتی «رادان کو» واقع در شهرک صنعتی البرز قزوین به دلیل آنچه از سوی کارفرما «زیانده بودن کارگاه» عنوان شده است، منحل اعلام و تمامی کارگران این واحد تولیدی برای تسویه حساب فراخوانده شده‌اند.

این وضعیت در حالی برای کارگران نورد لوله صفا روشن شده است که کارفرما با هدف ترغیب کارگران به شروع کار اعلام کرد که بخشی از بیمه هایشان را امروز و بخش دیگر آنرا را هفته آینده واریز خواهد کرد.

در پی این اظهارات از سوی کارفرما، کارگران نورد لوله صفا با مراجعه به سایت سازمان تامین اجتماعی از آنجا که بر روی این سایت واریز بیمه هایشان را مشاهده نکردند، حاضر به شروع کار نشدند و اعلام کردند ما به این دلیل که مسئولین تامین اجتماعی اطلاعات درستی در اختیارمان نمی‌گذارند دیگر کاری به میزان بدهی کارفرما به سازمان تامین اجتماعی نداریم و فقط در صورتی شروع بکار خواهیم کرد که تسویه حساب بیمه خود را بر روی سایت این سازمان مشاهده کنیم.

بنابر گزارش دیگری نیز که به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است کارفرما طی نامه ای به شورای تامین شهر ساوه اعلام کرده است که این کارگران کار نمی‌کنند و فقط حقوق می‌خواهند و بدین گونه تلاش کرده است تا زیر بار تعهدات خود نرود. وی در این نامه اعلام کرده است ۱۱ بهمن یک ماه از حقوق معوقه و ۱۱ اسفند یک ماه دیگر را به همراه عیدی و پاداش کارگران پرداخت خواهد کرد و حقوق ماه های دی و بهمن و اسفند آنان را سال آینده پرداخت خواهد کرد.

کارگران معترض نورد لوله صفا با تاکید بر این نکته که ما اطمینانی به تعهدات کارفرما نداریم اعلام کرده اند علاوه بر تعهدی که کارفرما در شورای تامین شهر برای پرداخت مزدمان داده است حداقل خواست ما در حال حاضر برای شروع کار این است که کارفرما بیمه های ما را تسویه کند و ما آنرا بر روی سایت سازمان تامین اجتماعی مشاهده بکنیم.

لازم به یادآوری امروز فقط بخشی از کارگران خدماتی نورد لوله صفا با توجه به تعطیلی مداوم کارخانه اقدام به نظافت کردند.



بنا بر این گزارش، با حضور گروه‌های امداد و نجات در محل حادثه، یکی از کارگران که تا کمر زیر خاک مدفون شده بود نجات پیدا کرد اما کارگر دوم که به طور کامل در خاک مدفون شده بود به دلیل سنگین بودن آوار دچار خفگی شد و جان باخت.

* * * * *

مرگ کارگری بر اثر آتش سوزی در کارگاه رنگرزی

آتش سوزی گسترده در یک کارگاه رنگرزی میلمان در در شهرک علی آباد قاجار واقع در شهرستان چهاردانگه جان یک کارگر را گرفت.

بر اساس این خبر، پس از آنکه کارگران ناگهان در میان شعله‌های آتش گرفتار شده بودند، با حضور گروه‌های امداد و نجات یک کارگر نجات پیدا کرد اما کارگر دوم بر اثر استنشاق دود و مواد سمی دچار خفگی شد.

* * * * *

مرگ چهار کارگر اجیر شده در راه قاچاق سوخت

جابجا کردن سوخت قاچاق در نواحی مرزی سیستان و بلوچستان به مرگ چهار نفر از کارگران اجیر شده انجامید. نماینده «خاش» در مجلس در واکنش به این اتفاق گفته است: وقوع چنین حوادثی در جاده‌های سیستان و بلوچستان به یک امر عادی تبدیل شده است و تازمانی که تکلیف شغل مردم منطقه روشن نشود این وضعیت ادامه خواهد داشت.

اطلاعه‌ها

طورمار شش هزار معلم خطاب به قوه مقننه

خواهان رفع تبعیض و برقراری عدالت هستیم

حدود شش هزار معلم در سراسر کشور با امضای طوماری خطاب به «علی لاریجانی»، رئیس مجلس شورای اسلامی، از برخوردهای سیاسی با مشکلات معیشتی‌شان اعلام نارضایتی کردند و خواستار رفع تبعیض و برقراری عدالت بین معلمان و سایر کارکنان دولت شدند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، امضاء کنندگان این طومار تاکید کرده‌اند بیشتر معلمان در تامین نیازهای اولیه زندگی خود درمانده‌اند و زیر خط فقر به سر می‌برند، به منزلت‌شان آسیب رسیده است و انگیزه‌های شغلی خود را از دست داده‌اند.

منابع کارگری از احتمال اخراج گسترده کارگران واگن پارس اراک در پایان ماه خیر می‌دهند.

* * * * *

بعد از گذشت حدود ۲۱ ماه از بازنشستگی ۱۰۵ کارگر کارخانه «آزمایش مرودشت»، هنوز مستمری بازنشستگی همه این کارگران برقرار نشده است.

* * * * *

رئیس کمیسیون تخصصی تعاون، کار و رفاه اجتماعی دیوان عدالت اداری از وجود ۱۵ هزار پرونده در رابطه با شکایات کارفرما و کارگر در این کمیسیون خبر داد.

حوادث کار



مرگ دو کارگر در اهواز

به گزارش ایلنا، در این حادثه که ساعت ۱۱ و ۳۱ دقیقه امروز (۲۲ دی) به آتش‌نشانی اهواز اطلاع داده شد، دو کارگر در ساختمانی در حال احداث واقع در خیابان سقراط منطقه امانیه اهواز، هنگام نصب آسانسور کشته شدند.

* * * * *

ریزش آوار عامل مرگ کارگر ساختمانی شد

دو کارگر در یک محل گودبرداری شده در حوالی میدان اول تا دوم محله دولت آباد تهران حین انجام کار با ریزش بخشی از دیواره یک پروژه ساختمانی ۱۰۰ متری با عمق ۴ متر زیر خروارها خاک مدفون شدند.



این موضوع موجب کاهش انگیزه‌های شغلی معلمان شده و آینده روشنی را برای کشور ترسیم نمی‌نماید.

معلمان کشور از تمجید و تعریف جایگاه علم و معلم خسته‌اند و از برخوردهای سیاسی با شکل معیشتی ناراضی‌اند و از مجلس و دولت انتظار «عمل» دارند.

ما امضا کنندگان طومار موکدا از نمایندگان مجلس و دولتمردان جمهوری اسلامی می‌خواهیم به دور از هرگونه شعار، رفتار تبلیغی و سیاسی با عزمی قاطع و راسخ، خواسته برحق جامعه فرهنگیان کشور مبنی بر تامین حقوقی که نیازهای یک زندگی شرافتمندانه را پاسخگو باشد، محقق نمایند



در بخشی از این طومار شش هزار امضایی گفته شده است معلمان آینده روشنی در انتظار نمی‌بینند و به همین دلیل از مجلس و دولت انتظار عمل دارند.

امضاء کنندگان این طومار همچنین از نمایندگان مجلس و دولت خواسته‌اند به دور از هرگونه شعار سیاسی، حقوقی به معلمان پرداخت کنند که پاسخگوی نیازهای یک زندگی شرافتمندانه باشد.

متن کامل طومار ارسالی شش هزار امضایی معلمان به رئیس مجلس که در روزهای گذشته به مجلس تحویل داده شده است در ادامه می‌آید:

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی جناب آقای لاریجانی سلام علیکم

همچنانکه که مستحضرد هرگونه برنامه ریزی برای پیشرفت و تعالی کشور در گرو برنامه ریزی اصولی در آموزش و پرورش و نگاه صحیح به مقوله تعلیم و تربیت می‌باشد و این امر در سایه توجه خاص به متولیان امر تعلیم و تربیت یعنی معلمان رقم خواهد خورد.

هدف قوانینی چون قانون نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارکنان دولت و قانون مدیریت خدمات کشوری ترقی و کارآمدی سیستم اداری کشور و رفع تبعیض و برقراری عدالت در پرداخت حقوق کارکنان دولت بوده است. ولی تدوین و تصویب این قوانین به اذعان دولتمردان و نمایندگان محترم نتوانسته است هدف مورد نظر را محقق نماید.

به باور جامعه فرهنگیان کشور علت امر عدم عزم جدی مسئولان به رفع تبعیض و برقراری عدالت است.

امروزه معلمان کشور در تامین نیازهای اولیه زندگی خود درمانده‌اند و عموماً زیر خط فقر به سر می‌بند و این امر به منزلت آنها آسیب زده است.

اندیشه

جنبش کارگری و چالش های پیش رو

(بخش دوم)



علیرضا تقفی

با مشخص شدن معیارهای معین دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان در هر مقطع زمانی است که می‌توان به مدعیان دروغین طبقه کارگر گفت که: برو این دام بر مرغ دگر نه که عنقا را بلند است آشیانه* به همین جهت وظیفه ما پرداختن به این معیارها و روشن کردن صفوف است. الف- اولین مسئله و روشن‌ترین آن عبارت از این است که چگونه می‌توان طرفدار نظم و نظام سرمایه‌داری بود و از حفظ و تداوم این نظام به هر ترتیب دفاع کرد وهم زمان از حقوق کارگران و زحمتکشان صحبت کرد و خود را طرفدار حقوق آنان دانست.



این شعار اصلی طرفداران خصوصی‌سازی است و در دو دهه گذشته که این شعار در تمام کشورهای تحت نظام سرمایه‌داری به اجرا در آمده است خیل عظیم کارگران و زحمتکشان و مزد و حقوق‌بگیران و در يك کلام آنان که مجبور به فروش نیروی کارشان برای گذران زندگی هستند، تحت شدیدترین فشارها و محرومیت‌ها قرار گرفته‌اند.

بسیاری از خانواده‌های کارگری، چه در ایران و چه در کشورهای دیگر که این طرح‌ها پیاده شده مجبور شده‌اند فرزندان‌شان را از ادامه تحصیل بازدارند و هر روز تحصیلات عالی، بیشتر به سرمایه‌داران و صاحبان ثروت و قدرت و وابستگان آنان اختصاص یافته است و در نتیجه خیل عظیم کودکان کار و خیل عظیم خانواده‌های زیر خط فقر و ناتوان از تأمین بهداشت و آموزش و پرورش هم چنان با خصوصی‌سازی‌ها در حال افزایش و استفاده از بهترین امکانات آموزشی و بهداشتی برای عده‌ای خاص است.

این اقلیت ناچیز اما صاحب قدرت و سرمایه و فرمانروایان سرکوب، علاوه بر کالایی شدن این دو مقوله در حقیقت امکانات آموزشی و بهداشتی را در خدمت کارهای عجیب و قریب سرمایه‌داران قرار می‌دهند تا فرهنگ سرمایه‌داری و انگلی را رواج دهند. آنها هزینه‌های زیادی صرف انگل‌وارگی خود می‌کنند. هزینه‌هایی نظیر زیبایی و تناسب‌اندام... و یا انواع داروهای مختلف افزایش و کاهش سایر های اندام تناسلی که بخش عظیمی از بودجه‌های آموزش و پرورش و بهداشت را در جوامع مختلف به خود اختصاص می‌دهد.

در حقیقت خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت سبب شده است تا امکانات پیشرفت دست‌آوردهای بشری و علوم کسب‌شده و اکتشافاتی که با جان‌فشانی نیروی کار در سراسر تاریخ به دست آمده است بجای آنکه صرف بهبود زندگی انسان‌ها شود، به مصارف عیاشی‌ها و خوش‌گذرانی‌های خارق‌العاده برسد و انگل‌وارگی را تبلیغ و ترویج کند. استفاده از انواع مواد افیونی مضر برای سلامتی انسان‌ها و زندگی انسانی، تنها در دست‌ان عده‌ای قلیل برای خوش‌گذرانی و رواج آنها در میان طبقات فرودست به‌جان‌آمده از فشارهای اقتصادی برای بی‌تفاوت کردن آنان و جلوگیری از گسترش اعتراض، در حقیقت بخش بزرگی از دست‌آوردهای انسان‌ها را صرف نابودی زندگی انسان‌ها می‌کند.

علاوه بر آن بودجه‌های عظیم آموزش و پرورش در دانشگاه‌ها و مراکز علمی صرف به اصطلاح علوم تبلیغاتی بازاریابی و... می‌گردد و بودجه‌هایی عظیم‌تر صرف ساخت سلاح‌های کشتار انسان‌ها. آیا تا به حال هیچ‌کدام از این جناح‌های سرمایه‌داری به‌جای دادن شعار خصوصی‌سازی و کم‌کردن بودجه دولت‌ها به طور جدی خواهان جلوگیری از بودجه‌های کلان نظامی و امنیتی و لغو آنها شده‌اند

نظام سرمایه‌داری چگونه قادر به حل مشکلات است و اگر توانایی حل مشکلات را دارد، پس چگونه است که هر روز با گسترش فقر، گرسنگی و جنگ‌های خانمان‌برانداز و لشکرکشی‌ها در سراسر جهان مواجه‌ایم.

کارگران و زحمتکشان تحت شدیدترین فشارها هستند، بار گران زندگی و فقر را به دلیل حاکمیت روابط سرمایه‌داری تحمل می‌کنند در عین حال با آگاهی، سر باز یک جناح سرمایه‌داری علیه جناح دیگر نمی‌شوند.

جناح‌های مختلف سرمایه‌داری چه در کشور ما و چه در سایر کشورها نشان داده‌اند که در دوران حاکمیت خود بیشترین تجاوزگری‌ها را به حقوق کارگران و زحمتکشان انجام داده‌اند؛ هر یک در زمان حاکمیتشان در پایمالی حقوق مردم تحت ستم از دیگران پیشی گرفته‌اند و آن هنگام که اعتراضات مردم از بی‌عدالتی و فقر و گرسنگی بالا گرفته است، جای خود را به دیگری داده‌اند تا آنکه چند صباحی در قالب اپوزیسیون به سیاست‌های حاکم انتقاد کنند و جناح مغلوب تحت سپر جناح غالب به بازسازی خود بپردازد.

آنان اگر به گونه‌ای واقعی طرفدار حقوق کارگران و زحمتکشان هستند باید در درجه اول بنیان نظام سودمحور را که هیچ‌چیز جز سود سرمایه را محور اصلی خود نمی‌داند زیر سؤال ببرند. آیا تاکنون این مدعیان امروزی طرفدار از حقوق کارگران، حتی برای يك بار هم که شده، سودمحوری نظام سرمایه‌داری را زیر سؤال برده‌اند؟

ب - چگونه می‌توان طرفدار حقوق کارگران بود و از خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت حمایت کرد. طرفداران امروزی حقوق کارگران، دولت فعلی را - دولت‌های فعلی را در کشورهای دیگر - از آن جهت مورد انتقاد قرار می‌دهند که خصوصی‌سازی را خوب اجرا نکرده است و اگر کار به دست اپوزیسیون حکومتی و جناح دیگر حاکمیت باشد، کار به مراتب بهتر انجام می‌شود.

اولاً که همگان به روشنی می‌دانند که خصوصی‌سازی‌ها در دوران همین به اصطلاح اصلاح‌طلبان و طرفداران اقتصاد بازار آزاد پایه‌گذاری شد.

در ثانی امروزه همه جناح‌های طرفدار نظام سرمایه‌داری از اصلاح‌طلب و سلطنت‌طلب و ملی‌گرایان از هر نوع، طرفداران سینه‌چاک خصوصی‌سازی هستند و اسم رمز دفاع از خصوصی‌سازی کافی است تا طرفداران نظام سرمایه‌داری خودشان را از مخالفان آن نظام جدا کنند.

زیرا که خصوصی‌سازی آموزش و پرورش و بهداشت حرفش در يك کلام مشخص است و آن این است که: هرکس پول بیشتری دارد باید از آموزش و پرورش و بهداشت بیشتری برخوردار باشد.



وی اضافه شدن ابزارهای نظارتی غیرمرتبط بر شیوه ارائه خدمات پرستاری را از اشکالات جدی این طرح دانست و ادامه داد: ابزار سنجشی که برای پرستاران گذاشته‌اند مسئله اصلی است. بر اساس این طرح ضریب سنجش خدمات پرستاری را طبق نمره ۱۱۰ محاسبه می‌کنند که اگر پرستار بتواند این امتیاز را به دست آورد آن وقت رقم مود نظر را دریافت می‌کند.

۱۰ شاخص برای این ابزار سنجش لحاظ شده که ۴۰ نمره از ۱۱۰ نمره در اختیار «واحد حاکمیت بالینی» است که پرستار می‌تواند در صورت احراز این نمره افزایش دستمزد داشته باشد. این در حالیست که به گفته وی واحد حاکمیت بالینی را افراد غیر پرستار تشکیل می‌دهند.

دبیرکل خانه پرستار اضافه کرد: از ۱۱۰ امتیاز ذکر شده ۱۵ نمره هم باید از واحد اعتباربخشی و بهبود کیفیت بیمارستان اخذ شود. بنابراین همانگونه که می‌بینید بیش از ۵۰ درصد از این امتیاز به دو بخش غیر پرستاری داده شده است که تخصص لازم در خصوص ارزیابی وضعیت پرستار را ندارند.

شرفی مقدم همچنین از وجود واحد ترخیص به عنوان یکی از واحدهای نظارتی غیرمرتبط یاد کرد و گفت: از همه بدتر این است که واحد ترخیص هم باید کیفیت خدمات پرستاران را ارزیابی کند این در شرایطی است که دستگاه نظارت کننده در هر سیستمی متخصصان آن سیستم هستند نه افراد غیرمرتبط.

وی گفت: کار اصلی این واحدها که در واقع بر اساس طرح درجه بندی بیمارستانی به وجود آمده‌اند این است تا با نظارت بر بخش‌های مختلف کار درمانی درجه بیمارستان را ارتقاء دهند و برای این کار به یک سری مستندات احتیاج دارند، با اجرای این طرح جمع آوری داده‌ها باید توسط پرستاران انجام شود.

به گفته شرفی مقدم، در صورتی که پرستار بتواند مستندات کافی در خصوص چگونگی ارائه خدمات خود ارائه کند شایسته دریافت دستمزد بیشتر است و در صورتیکه موفق به کسب امتیاز مورد نظر جهت ارتقاء سطح درآمد نشود نمی‌تواند از مزایای بیشتری برخوردار شود.

وی همچنین به حذف اضافه کاری بر اساس این طرح اشاره کرد و گفت: اتفاقی که در طرح مبتنی بر عملکرد افتاده شامل حذف اضافه کاری از مجموعه خدمات پرستاران شده و سیستم نظارت و ارزیابی را گسترده‌تر کرده‌اند.

دبیرکل خانه پرستار وظیفه نظارت بر خدمات پرستاری را جزء وظایف متخصصین این امر دانست و گفت: با افزایش تعرفه‌های پزشکی تا ۴۰۰ درصد در فاز جدید طرح تحول سلامت، خود به خود باید طرح کارانه پرستاری هم ۳ برابر می‌شد. تا پیش از این طرح کارانه و ارزشیابی میزان کارانه‌ها تنها در اختیار دفتر پرستاری بود.

چرا وقتی به کارگران و زحمتکشان می‌رسند خواهان صرفه‌جویی هستند، اما زمانی که به بودجه‌های نظامی و پلیسی و امنیتی می‌رسند همه طرفداران سینه‌چاک صرفه‌جویی، هیچ حرفی از آن به میان نمی‌آورند.

ج - چگونه می‌توان طرفدار حقوق کارگران بود و از آزادسازی قیمت‌ها و یا به زبان وطنی هدفمند کردن پارانه‌ها حمایت کرد. این طرح که اجرای آن در سراسر کشورها تحت حاکمیت نظام سرمایه‌داری، به‌عنوان مکمل خصوصی‌سازی مطرح بوده است، تنها معنایش اجازه دادن به سرمایه‌دار در اجحاف هر چه بیشتر به کارگران و زحمتکشان بطور خاص و نیروی کار بطور عام است.

ادامه دارد

دبیرکل خانه پرستار:

ضربه ای سنگینی به نظام سلامت ایران



دبیرکل خانه پرستار از اجرایی شدن طرح پرداخت مبتنی بر عملکرد در بیمارستان‌های کشور خبر داد و گفت: با اجرای این طرح ضربه سنگینی به نظام سلامت وارد خواهد شد.

محمد شرفی مقدم درباره این طرح به ایلنا گفت: علی‌رغم تبلیغاتی که وزارت بهداشت در خصوص افزایش ۳ برابری حقوق پرستاران به واسطه طرح مبتنی بر عملکرد داشته، اما باید بگویم اجرایی شدن این طرح به هیچ وجه به سود نظام سلامت کشور نیست و پرستاران را از رسالت اصلی خود که مراقبت از بیماران است دور می‌کند.

دبیرکل خانه پرستار در ارتباط با جزئیات این طرح گفت: از چند ماه پیش زمره‌هایی مبنی بر اجرای این طرح در وزارت بهداشت شنیده شد. طرح مبتنی بر عملکرد در واقع جایگزین طرح کارانه می‌شود و طبق آن خدمات پرستاری باید توسط ابزارهای نظارتی مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد.



گرفته شد، افزود: هرچند بسیاری از فعالان کارگری آن سالها امروز دیگر حضور فعالی ندارند اما جامعه کارگری به اتکای حافظه تاریخی که به آنها منتقل شده اقداماتی را که در آن سالها صورت گرفت را فراموش نخواهد کرد.

این فعال کارگری افزود: واقعیت غیر قابل انکار این است که نویسندگان ماده ۱۶ لایحه «رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» با پیشنهادهای که برای اصلاح قانون کار طرح کرده‌اند، شاه‌کلید حمایت از کارگر را هدف گرفته‌اند.

چمنی در ادامه افزود: چنانچه مواد ۷، ۱۰، ۲۱ و ۲۷ قانون کار به شیوه پیشنهادی نویسندگان ماده ۱۶ این لایحه تغییر کند، هیچ تضمینی برای دوام و بقای قراردادهای کار وجود نخواهد داشت و در چنین شرایطی سایر مواد این قانون کاربرد خود را از دست خواهد داد.

وی گفت:

به بیان ساده‌تر این ماده پیشنهادی با نادیده گرفتن تمامی وظایف نظارتی که در حقوق کار بر دوش دولت گذاشته شده است، هرگونه اختیار را از نیروی کار سلب می‌کند.

به باور چمنی شرایطی که بعد از تصویب این ماده پیشنهادی برای کارگران ایرانی به وجود خواهد آمد بسیار شبیه شرایطی است که هم اکنون برای کارگران خارجی فاقد پروانه شغلی ایجاد شده است.

وی تاکید کرد: در این حالت نوعی هرج و مرج در جامعه کارگری برقرار خواهد شد چرا که دیگر هیچ آرمان قانونی وجود نخواهد داشت که برای دستیابی به آن کارگران بصورت هماهنگ و دسته جمعی فعالیت کنند.

این فعال کارگری افزود: با این شرایطی که در ماده ۱۶ لایحه رفع موانع تولید پیش بینی شده است صاحبان سرمایه به شهروندان درجه یک و در مقابل همه کارگران به شهروندان درجه دو تقسیم خواهند شد.

چون کار پرستاری یک کار تخصصی است پس وظیفه نظارت و ارزشیابی آن در بحث پرداخت کارانه و ارزیابی میزان پرداختی‌ها به عهده سیستم پرستاری اعم از سوپروایزر و سرپرستار و افرادی از این دست بود و افراد و واحدهای غیرمرتبط در آن دخالتی نداشتند.

وی ادامه داد: باید به حال وزارت بهداشت تاسف خورد که در شرایطی که ما با کمبود پرستار مواجهیم از همین پرستاران موجود هم به عنوان ابزاری جهت پرکردن فرم و مستندات استفاده می‌شود.

پرستارانی که کار اصلی‌شان ارائه خدمات درمانی به بیماران است. با این اوضاع کمبود پرستار و نیاز شدید بیماران به مراقبت‌های مستقیم، باید کارشان را رها کنند و به دنبال جمع آوری امتیاز برای ارتقاء درجه و افزایش درآمد بیمارستان محل خدمتشان باشند.

عضو هیات مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگری
نگوید کارگر، بنامید برده



در صورتی که مجلس در جریان تصویب لایحه «رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور» با اصلاح قانون کار موافقت کند، مفهوم کارگر در بازار کار ایران خالی و بی‌معنا خواهد شد و بهتر است از نام واقعی این نوع نیروی کار انسانی که در گذشته «برده» خوانده می‌شد استفاده کنیم.

ناصر چمنی» در این باره به ایلنا گفت: نمایندگان مجلس با تصمیم گیری در مورد تصویب یا عدم تصویب ماده ۱۶ لایحه مذکور در مورد سرنوشت جامعه کارگری تصمیم گیری خواهند کرد.

وی بآبادآوری اقدام مشابهی که در مجلس پنجم برای خروج کارگاه‌های کوچک پنج نفره از شمول مقررات قانون کار



ادبیات کارگری

ادبیات کارگری در سوئد



نویسنده: ایوارلو یوهانسون
ترجمه: حبیب فرج زاده
به نقل از: افق روشن

ماکسیم گورگی نیز از آن مفهوم که چند سال رایج بود استفاده کرده بود. شوروی‌ها نظرشان این بود که در شوروی پرولتر وجود ندارد زیرا اعلام شده بود که تابعین شوروی خود مالک زمین و ماشین آلات هستند. در آنجا کسی به معنای پرولتر که مالک هیچ چیزی نباشد وجود نداشت. برعکس در کشور سرمایه‌داری سوئد پرولترها وجود داشتند. به همین سبب درست بود که اینجا از نویسندگان کارگری صحبت شود.

از دیدگاه تاریخی اصطلاحات ادبی ماندنی می‌شود. اما کم نویسندگان پرولتری بنابه ملاحظاتی با "نویسندگان کارگری" جا به جا شد.

ادبیات‌اش را نوشته‌های کارگری نامگذاری کردند. نویسندگان پرولتری لقب زشتی شد و تنزل همان‌طور ادامه پیدا کرد. مشخص بود که سوئد از داشتن ادبیات پرولتری شرمند است. حل مسئله مشکل بود، منظور از تعریف واژه "کارگر" چیست. اکثریت اهالی طبیعتاً به کاری مشغول بودند و بعضی مواقع تعیین مرز مابین کار بدنی و کسانی که شغل نسبتاً ساده‌تری داشتند دشوار بود.

نویسندگان کارگری سوئد معمولاً بعد از آنکه نویسندگان می‌شدند، کارگری را ترک می‌کردند. همزمان خود را باب میل خواننده‌های بورژوازی در می‌آوردند. عجیب هم نبود چون آن طرفی‌ها از آنها با آغوش باز استقبال می‌کردند. برگشته‌های نویسندگان کارگری ارتقا مقام اجتماعی می‌یافتند.

واضح بود که از دید خودی‌ها آنها در رفته حساب می‌شدند. سه نفرشان شدیداً از طرف کارگران محکوم شدند. موضوع آنقدر حساس بود که در زمان پاک سازی، حقوق منافقین قابل بحث نبود. بعدها که از شدت هیجان کاسته شد، و بر بردباری طبقه کارگر افزوده شد، رادیکال‌ها هم شروع کردند در روزنامه‌های سرمایه‌داران مقاله نوشتن، اما برعکس‌اش هرگز.

تمایزی که در ادبیات کارگری با بورژوازی ورده‌های خودی در سوئد وجود دارد می‌توان در سوئد از بابت ادبیات از دو نوع فرهنگ صحبت کنیم. آنها که ادعای اضمحلال تفاوت‌های طبقات می‌کنند بی‌خبراند. کافی است تنها به کتاب‌ها نگاه کنند. تنها کشوری در جهان که از یک ادبیات کارگری همه جانبه غنی و مهم از نظر اجتماعی و زیبانگاری برخوردار بوده است، سوئد می‌باشد.

که اسمش را هم "سقوط ادبیات" و هم مهم‌ترین رخ داد ادبیات صده ۱۹۰۰ در سوئد گذاشته‌اند. هنوز هم بسیاری از

تاریخ ادبیات سوئد در سال ۱۹۲۱ با واژه جدید "نویسندگان پرولتری" غنی شد. مبتکر آن ریچارد استفان دانشمند ادبیات دانشگاه بود. نیت بدی نداشت، او این واژه را در معرفی چند تا کارگر با استعداد خودآموز به کار برد. آنها چند اثر ادبی ارائه داده بودند. چندتاشان از این لقب خوششان می‌آمد. اما بقیه مخصوصاً معروف‌ترین‌شان آن را نپذیرفتند. آنها می‌خواستند همان "نویسندگان اصیل" بمانند.

لقب "نویسندگان پرولتری" جا افتاد. ده سال بعد در سوئد تعدادشان به بیست نفر می‌رسید. کم کم دستگاه‌های رسمی هنر هراسناک شدند. هنگامیکه نتوانستند با شدت عمل به سکوت وادارشان کنند چوب لای چرخ نویسندگان ادبی گذاشتند. به نظر آنها شعرا بی خطر بودند.

در سوئد هنوز اختلاف طبقاتی شدید بود، وقتیکه معلوم شد که نویسندگان کارگری دارند جای نویسندگان قدیمی سرمایه‌داری را پر می‌کنند، اعلام خطر شد. با عجله به آنها مهر کمونیستی زدند. دیگر عادی بود. بدون آنکه ارزش زیباشناسی داستان‌های کارگری و یا نوله‌ها را زیر سؤال ببرند، اعلام کردند که آنها ادای ادبیات شوروی را در می‌آوردند. با ضدیت شروع کردند سبک را "رئالیسم سوسیالیستی" خواندند.

اینکه واقعیت نداشت، اما دست‌بردار نبودند. هیچ نوعی رهنمون دولتی در ادبیات داستانی پیش نیامده بود. در شوروی از همان آغاز در یک کنفرانس ادبی در سال ۱۹۳۴ در باره "رئالیسم سوسیالیستی" صحبت کرده بودند.



بعدها وقتیکه در کتابها در باره پسران اربابها، همسالان خود خواندم که در قصرها گرفتار ترس و ناامنی بوده‌اند، تعجب کردم. تا چهارده سالگی در موقع خوردن باید در کنار میز سرپا می‌ایستادند و بخاطر چیزهای جزئی تنبیه می‌شدند.

چیزی که هیچ‌کدام از ما حتا تصورش را هم نمی‌کردیم. متوجه شدم که پدر من که بلد نبود ساده‌ترین جمله را بنویسد، همزمان فرهنگ زیبایی را نمایندگی می‌کند. فوکلی همه جا حاضر ذاتاً متعلق به قشر میانی بود اما شکلکی از طبقه اول بود. او بود که می‌گفت: من می‌میرم اگر وقتیکه لاله‌ها می‌شکفند در پاریس نباشم. و خود نمایی می‌کرد که نشان دهد که کمی هم "مردمی" است. با وجود اینکه زبان فرانسه ام به آن خوبی نیست که می‌بایست باشد.

تفاوت طبقاتی هنوز هم وجود دارد، با وجود اینکه دیگر نمی‌شود به سادگی در راه رفتن، حال، و لباس دید. کارگر هم می‌تواند بدون آنکه خجالت بکشد عینک بزند و مثل مدیران شرکتها لباس زیبا با کروات و پیراهن سرمه‌ای بپوشد. اما حالا دیگر نخست وزیران و رییس جمهورهای دولت‌های دور دست در افریقا، پیراهن و کراوات سرمه‌ای می‌پوشند.

دیگه کارگر بخاطر صاحب کارش در گودال نمی‌رود.. اما هنوز هم نفرت در چشم هایش برق می‌زند. این نشان دشمنی یا اینکه بزبان ملایم‌تر بیگانگی دو فرهنگ است. هر طبقه‌ای کد خود را دارد، آنرا هم از آغاز زندگی بدون آنکه احتیاجی باشد که کسی کلمه‌ای بزبان بیآورد می‌آموزد. نه مادر بزرگم و نه والدین مادرم و علاوه بر آنها حتا پدرم هیچ‌کدام نوشتن بلد نبودند. در خانه بجز انجیل و کتاب دعا آنهم دست نخورده کتابی دیگر پیدا نمی‌شد.

حسابها را هم طبق دفترچه راهنما می‌پرداختند. از روزنامه هم خبری نبود. فرق ثروتمند و فقیر انقدر بزرگ بود که آدم در باره‌اش فکر نمی‌کرد. مانند هوا و باد بود، منظور آنست که در باره‌اش نمی‌شد کاری کرد. شرایط مدتی است که ادامه دارد. و اکثراً فقرا بودند که محافظه کار بودند. انعکاس‌اش را می‌توان در تمایلشان که می‌خواستند بچه‌ها هم راه آنها را ادامه بدهند، دید.

نظر پدر و مادرم این بود که من ناموفق بودم چونکه در روزنامه‌ها می‌نوشتم و فعلا لیت می‌کردم که کتاب بیرون بدهم. کارهایم غیر عادی بود. از اینکه نمی‌خواستم راه آنها را بروم. در جوانیم مدت‌ها مانع بودند که قفسه کتابی را آنهم که تنها نیم متر پهنا داشت و چندان جا نمی‌گرفت به خانه بخرم. آنها از آن می‌ترسیدند که من به فقر وفادار نمایم.

بخش‌های نوشته‌های کارگری سوئد تحقیق بعمل نیامده است. ادبیات کارگری برای حاکمین تحقیقات دانشگاهی مناسب نبوده است. ارزش تکی بعضی از نویسندگان کارگری رسمیت یافت، اما همزمان ارزش ادبیات کارگری را به عنوان تظاهر جمعی پایین آوردند و یا اینکه ندیده از کنارش رد شده‌اند. نه تنها این‌ها حتا به نظر می‌رسد که نشده، نویسندگان با حفظ شرافت از جانب دستگاه‌های ادبی سرمایه‌داری به رسمیت شناخته شود.

در هرکدام از دو فرهنگ، سرمایه‌داری و کارگری، تقریباً نصف جمعیت سوئد جا می‌گیرند. مدت‌ها طول کشید تا اینکه طبقه کارگران سوئد توانستند امکان بیان کتابی بیابند. توقعی هم در کار نه بود. کسی هم انتظاری نداشت که فرهنگ اهمیتی دارد، چون نشانه‌ای هم که به چشم بخورد از خود بجا نمی‌گذاشت، نه قصری، حتا میز صندلی، نه چندتا کتابی. میشد در باره فرهنگ دهقانی صحبت کرد، آنکه در نمایشگاه باغ وحش بود، اما آثاری از خاطرات فرهنگی دیگر پیدا نبود.

حدود سال‌های سی شخصیت‌های سرمایه‌داری در خیابانهای شهر از نزدیک بودن کارگری احساس ترس و یا دلزدگی میکردند. کارگران هنوز برای آنها نژاد انسان ناشناخته بودند. تنها آدمهایی که شغل آزاد داشتند از قبیل نویسندگان و یا هنرمندها، به مرزهای طبقاتی اهمیت نمی‌دادند.

یک شخصیت تحصیل کرده از قشرهای بالای اجتماع که می‌خواست کارگری در خانه‌اش اشیاء شکستنی تعمیر کند از دوستی راهنمایی خواست. آیا با او در خانه تنها باشد. آیا او را به گیلانی دعوت بکند. حتماً باید عرق باشد و یا اینکه آبیو کافی است؟ شاید آبیو مناسب‌تر باشد؟ آیا طرف بطری سر می‌کشد. پیش گذاشتن یک لیوان توهین تلقی نمی‌شود؟ کارگری که در آپارتمان کار می‌کند، نکند چیزی بدزدد! این را دیگر ستوال نکرد.

البته می‌شد حدس زد که سوال نه در آینده چندان دور بلکه در نوک زبان خوابیده است. در فرهنگ‌های جیبی آلمانی و فرانسوی که قرار بود سوئدی‌ها در مسافرت خارجی همراه خود داشتند باشند، جمله‌ای بود که می‌شد ترجمه‌هایی از این قبیل را مشاهده کرد مثلاً -- آیا کفش‌های مرا خوب واکس زده‌اند؟ یا اینکه:- حتماً شما از رخت‌های ما چیزی ندیده‌اید؟

اجتماعی که من در آن بزرگ شدم بطور کلی دو طبقه داشت. کلوخ نشین‌ها و رعیت‌های فقیر و اشرافیت. من همیشه خیال می‌کردم که نوجوانان در قصرها آزادتر هستند و هر کاری که دلشان خواست می‌توانند انجام بدهند.



دستگاه‌ها با میل وهم بافان طبقه کارگری را به رسمیت می‌شناختند. نویسندگان جوان سال‌های چهل کمتر از اعضای خانواده‌های مرفه بودند و به استثناء اقلیتی تحصیلات دانشگاهی پشت سر گذاشته بودند، و بدان سبب مطالبشان براحتمی انتشار می‌یافت. اما سال‌های هشتاد دوباره به شرایطی همانند برگشته ایم، نویسندگان کارگری با مشکلات انتشاراتی روبرو شدند ساده‌تر به گویم تمام درها را به رویشان بستند.

اگر هم داستان کارگری چاپ می‌شد با کمترین برخورد انتقادی روبرو می‌شد، و بخاطر این امر با بازار یابی بد روبرو می‌شد. کتاب "گزارشی از سطل نظافت" اثر "مایا اکلوند" منتشره سال ۱۹۷۰ انتشارش در سال هشتاد هفت از طرف انتشاراتی بزرگ و حتا انتشاراتی کارگری رد می‌شد.

مسلم نیست که ما در آینده کارگرانی به معنای امروزی داشته باشیم. نویسندگان کارگری که هدف نیست. اما این دلیل نمی‌شود که منکر حضور ادبیات کارگری شد و از نشانه‌هایی که کم و پیش دیده می‌شود به زندگی البته در شرایط مشکلی ادامه خواهد داد.

مظلوم و ظالم در هر صورت همیشه خواهد بود. ما به نویسندگان رادیکال جدید که جای نویسندگان کارگری گذشته‌ها را پر کند احتیاج خواهیم داشت که بر قیام ستم دیده‌ها کمک کنند. ابزار تکنیکی نویسندگان تغییر خواهد یافت. اما وظیفه‌ای که به بیانشان وامی‌دارد ادامه خواهد یافت.

با وجود اینک فقر و ثروت حی و حاضر بودند، من سعی می‌کردم از معیارگذاری لغوی‌شان خودداری کنم. دیدم که پدر و مادرم اشتباه می‌کنند. اما هنوز هم برایم روشن نبود که چه طوری فرهنگ آنها را تهدید می‌کنم و غیره را لمس می‌کنم. خوب اینها چه ربطی به داستان سرایی کارگری دارد؟ به این معنی است که اختلافات طبقاتی بود و هنوز هم هست، فقط به زبان دیگری بیان می‌شود.

طبقه کارگر خود صاحب فرهنگی بود. و با فرهنگ سرمایه‌داران تمایز داشت. در آغاز متأثر از کارگران بود و در ادبیات تأثیر می‌گذاشت. فکر و احساس کارگران دیگرگونه بود. و از جنبه‌های مهم با طرز فکر و احساس سرمایه‌داران مطابقت نمی‌کرد. حتا در صورت ظاهر هم با هم نمی‌خواندند.

خانواده‌های سرمایه‌داران برای دوستانشان مهمانی میدادند، به اپرا میرفتند، و کتاب می‌خواندند به ترتیبی که عادت‌شان بود. کارگران به میخانه و نمایشخانه می‌رفتند، ورق بازی می‌کردند، مجلات هفتگی و یا سریال می‌خواندند، یا اینکه هیچ چیزی نمی‌خواندند. شاید هم هیچ‌کدامشان پایش به آستانه کتابفروش نرسیده بود.

توی کتابخانه گم می‌شدند، باشد که چیزی در آنجا پیدا کردن برای همه مشکل بود. جمع اگر در طول زمان نتواند جهان بینی خود را پیدا کند، به انجمنی تبدیل می‌شود که عقیده‌شان را فقط اعضای محدود خود درک می‌کنند. در ادبیات نگران کننده است. به عنوان مثال فاتحه یک دادگاه را که طرفین زبان همدیگر را نمی‌فهمند باید خواند.

کارگران روشن‌فکر هم وجود داشت. آنها از ادبیات بهترین‌اش را انتخاب کردند و خواندند، در صورتیکه بخشی از بورژواها به مزخرفات اکتفا کردند. البته اینها استثناء بودند. کارگران بدترین بخش از فرهنگ سرمایه‌داری را ترجیح دادند، در طرف مقابل سرمایه‌داران اندک اندک شروع کردند به جذب بخش‌های خوب فرهنگ کارگری، بعنوان نمونه تعاونی و سازمان دهی. هر دو فرهنگ گاهی به هم نزدیک می‌شدند، البته بدون آنکه با هم شوند.

احزاب سیاسی گویای کدوری از این مناسبات بودند. ادبیات بود که سر آغاز شفاف شدن رابطه‌ها شد.

تأثیرش را در محتویات کتاب‌ها چگونه می‌شد ملاحظه کرد. سال‌های سی از نظر کیفی تحت نفوذ خود آموزان بود. دستگاه‌های محافظه کار سرمایه‌داری هرچه که از دستشان می‌آمد چوب لای چرخ گذاشتند، قدرشان هم زیاد بود. می‌دانستند که موفق خواهند شد.

اقتصاد ملی

جوآنمیر مرادی:

زمینه سازی برای پایین نگه داشتن دستمزد

گفته می‌شود ۱۶ ماه قبل زمانیکه دولت یازدهم زمام امور را در دست گرفت تورم ۴۰ درصد بوده است اما امروز بعد از ۱۶ ماه از عمر این دولت تورم کاهش یافته و به ۱۷ درصد رسیده است.

کاهش دلایلی یافت می‌شدند که با رجوع به آنها بتوان به این آمارها باور کرد! اما در زندگی واقعی اکثریت مردم جامعه اثری از بهبود وضعیت معیشت یافت نمی‌شود هیچی، بلکه اوضاع بسیار بدتر از یک سال پیش است.

کاهش تورم ۴۰ درصدی به ۱۷ درصد هنگامی اعلام می‌شود که هنوز زمان زیادی از افزایش نزدیک به ۲ برابری یا ۱۰۰



درصدی بنزین نگذشته و مردم از شوک گرانی یکباره ۲۰، ۳۰ درصدی چندی پیش نان اعصابشان در هم ریخته و در حالت انفجاری هستند. کاهش بیش از ۲۰ درصدی تورم اگر واقعیت داشت امروز ما باید شاهد افزایش قدرت خرید بیش از ۵۰ درصد برای مردم می بودیم.

یعنی اگر پارسال بنزین به اصطلاح یارانه ای لیتری ۴۰۰ تومان بود امسال باید قیمتش کمتر از ۲۰۰ تومان می شد. یا نان سنگک ۴۵۰ تومانی در شهرستانها (در تهران قیمت بیشتر از این است) باید قیمتش به حدود ۲۲۵ تومان کاهش می یافت، در حالیکه قیمت کالاها در بازار واقعیتی خلاف آمارها را نشان می دهند.

مثلا با ۴۰۰ تومانی که سال گذشته می شد یک لیتر بنزین به اصطلاح یارانه ای را خرید حالا ۰/۵۷ لیتر یعنی کمی بیشتر از نیم لیتر می توان خرید، یا با ۴۵۰ تومانی که می شد یک نان سنگک خرید حالا با آن می توان فقط ۴/۵ یعنی اگر یک نان سنگک را به ۵ قسمت تقسیم کنید ۴ قسمت آن را خرید.

هزینه کمرشکن اجاره مسکن، جمعیتی میلیونها نفره را ناچار به حاشیه نشینی کرده، حالا بگذریم از بقیه کالاها و خدمات بهداشتی، پزشکی، آموزشی، رفاهی و غیره که گرانی هر روزه شان باعث شده چقدر از دسترس اکثریت دور شوند.

اما اعلام کاهش نرخ تورم در ماههای پایانی هر سال پدیده ای تکراری و آشنا برای مردم و بویژه کارگران است. ماههای پایانی سال، زمانست که باید بر مبنای به اصطلاح نرخ تورم حداقل دستمزد کارگران تعیین گردد. بنابراین فهمیدن هدف از اعلام نرخ تورم کمتر در ماههای پایان سال نسبت به ماههای دیگر سال و تا این حد کم، که جز پایین نگه داشتن سطح دستمزد نیست، سخت نمی باشد.

هر چند حداقل دستمزد طی سالهای اخیر حتی خیلی کمتر از نرخ تورم اعلام شده تعیین شده است!

اینجا برای روشنتر شدن موضوع، به میزان تعیین دستمزدها و فاصله آنها با نرخ تورم اعلام شده در چند سال گذشته اشاره می کنم:

زمستان سال ۱۳۸۹ نرخ تورم ۱۲/۴ درصد میزان افزایش حداقل دستمزد برای سال ۱۳۹۰، ۹ درصد یعنی ۳۳۰۳۰۰ تومان، زمستان سال ۱۳۹۰ نرخ تورم ۲۱/۵ درصد، میزان افزایش حداقل دستمزد برای سال ۱۳۹۱، ۱۸ درصد یعنی ۲۸۹۷۰۰ تومان، زمستان سال ۱۳۹۱ نرخ تورم ۳۰/۵ درصد، میزان افزایش حداقل دستمزد برای سال ۱۳۹۲، ۲۵ درصد یعنی ۴۸۷۱۲۵ تومان، زمستان سال ۱۳۹۲ نرخ تورم ۳۶/۷ درصد، میزان افزایش حداقل دستمزد برای سال ۱۳۹۲، ۲۵ درصد یعنی ۶۰۹۰۰۰ تومان.

این آمارها به وضوح نشان می دهند که حداقل دستمزدها از ۲/۵ درصد در سال ۹۰ تا ۱۱/۷ درصد در سال ۹۳ کمتر از نرخ تورم اعلام شده تعیین گردیده است (۲/۵ درصد سال ۹۰، ۲/۵ درصد سال ۹۱، ۵/۵ درصد سال ۹۲، ۱۱/۷ درصد

سال ۹۳).
از سال ۹۰ تا ۹۳ مجموعا دستمزد ۲۴/۲ درصد عقب تراز میزان تورم نگه داشته شده است. یعنی اگر همین امروز حداقل دستمزد بدون در نظر گرفتن میزان تورم سال ۹۳، ۲۴/۲ درصد افزایش یابد (۱۱۱۳۶۶ تومان) و میزان آن به ۷۲۰۳۶۶ تومان برسد تازه عقب ماندگی حداقل دستمزد نسبت به میزان تورم از سال ۱۳۹۰ تا ۹۳ را جبران خواهد کرد.

اما امسال یکی از عمده اهداف اعلام ۱۷ درصدی نرخ تورم در سه ماه مانده به پایان سال، مشروع و قانونی جلوه دادن افزایش حداقل دستمزد به همین میزان است و احتمالا دیگر سطح دستمزد فاصله ای با تورم ۱۷ درصدی نداشته باشد و به این طریق انصاف! را به نمایش بگذارند. در سالهای گذشته علاوه بر نارضایتی کارگران نسبت به میزان افزایش دستمزدها به طور کلی (چون نرخ تورمهای اعلام شده هیچ وقت بیانگر میزان تورم واقعی نبوده اند) نسبت به فاصله بین میزان افزایش دستمزد و میزان تورم اعلام شده نیز اعتراضات گسترده ای براه افتاد. بنابراین اعلام تورم ۱۷ درصدی تلاشی است برای راضی کردن افکار عمومی و از قبل مهار زدن بر نارضایتی کارگران نسبت به میزان اندکی که قرار است به حداقل دستمزد بیافزایند. چرا که به احتمال زیاد همین میزان را به دستمزد اضافه کنند و دیگر اختلافی بین حداقل دستمزد و میزان تورم اعلام شده دیده نشود!

اما هر انسانی در این جامعه و بخصوص هر کارگری نه تنها شاهد کاهش نیافتن گرانی نسبت به سال گذشته بوده، بلکه گرانی ای بیشتر از پیش را تجربه کرده است و می داند اینگونه اعداد در زندگی واقعیش هیچ اساس و بنیانی ندارد. کارگر زمانی آمار را قبول خواهد داشت که اثری از کاهش قیمت و افزایش قدرت خریدش را ببیند. ببیند که وضع زندگی تغییر کرده و بهبود یافته است.

مثلا اگر تا دیروز مجبور بوده نان سنگک را دانه ای ۴۵۰ تومان بخرد امروز بتواند با ۲۲۵ تومان تهیه کند، اگر شیر را لیتری ۲۵۰۰ می خرید امروز بتواند با ۱۲۵۰ تومان بخرد و همین طور بقیه ملزومات زندگی را با هزینه ای نصف نسبت به گذشته تهیه کند نه اینکه قیمت هر یک از اقلام ضروری زندگی از ۲۰ درصد به بالا گرانتر شده باشد. حتی اگر کاهش تورم از ۴۰ درصد به ۱۷ درصد واقعیت داشته باشد برای کارگران ایران معیار نه این آمار، بلکه برخورداری از رفاه است.

زندگی در رفاه و آرامش حق کارگر است و باید از آن برخوردار باشد. طبیعی است که با دستمزد حدود ۴ برابر زیر خط فقر نمی شود حتی بخور و نمیر زندگی کرد بنابراین داشتن زندگی مرفه حق خانواده کارگر است و بدون توجه به این آمار و ارقام باید از آن برخوردار باشد. در نتیجه حداقل دستمزد را باید خود کارگران و نمایندگان واقعیشان بر مبنای هزینه های واقعی برای اداره زندگی تعیین کنند.